

برنامه ریزی در صنعت توریسم*

تألیف ن. اوزگوچ**

ترجمه: دکتر محمدظاهری***

چکیده

برخی از کشورها و از آن جمله کشور ما ایران، از جاذبه‌های توریستی بالقوه‌ای برخوردارند. خواه ناخواه، جهت بهره برداری صحیح و اصولی از این جاذبه‌ها، انجام برنامه‌ریزی‌های دقیق و اساسی چه در سطح ملی و چه در سطوح منطقه‌ای و محلی الزامی است. در این نوشتار به انواع مختلف برنامه‌ریزی‌ها اعم از زمانی و مکانی و نیز انواع سیاستها در ارتباط با صنعت توریسم اشاره می‌شود.

واژه های کلیدی: صنعت توریسم - برنامه ریزی

مقدمه

هر چند ایران با برخورداری از جاذبه های بالقوه فراوان، اعم از جاذبه‌های طبیعی، تاریخی، هنری و فرهنگی می‌تواند نقش شایسته‌ای در جذب توریست داخلی و بالاصح خارجی ایفا کند، لیکن تاکنون آن طور که باید و شاید از این امکانات و جاذبه های

*مطلب حاضر ترجمه بخشی از کتاب زیر می باشد:

Ozguç, N. (1995). *Turizm Coğrafyası*, Istanbul Üniversitesi, Yay. No: 3267:

153 – 166.

** Ozguç, N.

*** استادیار مرکز پژوهش‌های جغرافیایی دانشگاه تبریز: m.zaheri@tabrizu.ac.ir

خدادادی استفاده نشده است. ناگفته پیداست که درآمد حاصل از این صنعت نیز در مقایسه با دیگر کشورها بسیار اندک بوده است.

کاهش تدریجی ذخایر نفت و نیز نوسانات حاصله در قیمت آن، بالاخص در سالهای اخیر، ایجاب می کند تا برای رهایی کشور از اقتصاد تک محصولی (نفت)، صنعت توریسم به عنوان یک گزینه مهم در نظر گرفته شود. با توجه به پتانسیل بالقوه فراوان جذب توریست در ایران، صنعت مزبور علاوه بر این که می تواند خلاء حاصل از کاهش درآمد نفت را جبران کند، به لحاظ مرتبط بودن با دیگر فعالیتهای متعدد اقتصادی، نیز می تواند در اشتغال زایی، به ویژه برای نسل جوان کشور نقش عمده ای ایفا نماید*.

صنعت توریسم، هر چند محاسن و نکات مثبت فراوانی به همراه دارد، ولی نباید اثرات نامطلوبی را که این صنعت در محیط و اجتماع بر جای می گذارد، نادیده گرفت. بر این اساس برای توسعه و گسترش صنعت توریسم و نیز بهره برداری بهینه از آن، لزوم انجام برنامه ریزی پیش از پیش احساس می شود. با حرکت از این هدف، برای بهره گیری از تجارب دیگر کشورها، تصمیم به ترجمه این مطلب گرفته شد. امید است برای مطالعه کنندگان، به ویژه دست اندرکاران امر، مفید واقع شود.

برنامه ریزی در صنعت توریسم:

تا دهه های اخیر، صنعت توریسم مختص کشورهای پیشرفته به شمار می رفت. به تدریج برخی از کشورهای در حال توسعه نیز، با شناخت توانهای بالقوه و انجام برنامه ریزیهای اساسی، در جهت رشد و شکوفایی این صنعت گام بر می دارند. در این گونه کشورها، دو جاذب اصلی توریست - آفتاب و دریا - به عنوان مهمترین منابع در جهت حل مشکلات اقتصادی و حتی شکوفایی اقتصادی آنها عمل می کنند. علاوه بر این، کشورهای ثروتمند جهان بر این باورند که برای اصلاح ساختار اقتصادی کشورهای در

* بر اساس یک گزارش منتشره از سوی سازمان جهانی توریسم (WTO)، در سال ۱۹۹۸ شمار گردشگران بین المللی ۶۳۵ میلیون نفر و درآمد حاصل از آن معادل ۴۳۹ میلیارد دلار بوده است گزارش مزبور می افزاید که این رشد از ۶۵۹ میلیون نفر در سال ۲۰۰۰ به یک میلیارد نفر در سال ۲۰۱۰ و به ۱/۵۵ میلیارد نفر در سال ۲۰۲۰ افزایش خواهد یافت و پیش بینی شده است که به موازات افزایش تعداد گردشگران، درآمدهای گردشگری نیز سه برابر خواهد شد و از ۶۲۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰، به ۱۵۵۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ و در نهایت به رقم ۲۰۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ خواهد رسید.

حال توسعه، توریسم بین‌المللی می‌تواند سهل‌ترین راه در یاری رساندن به این گونه کشورها به شمار آید. بر این اساس برای بهره‌گیری هر چه مطلوب‌تر از بخش توریسم کشورهای مزبور، قبل از هر چیز، انجام برنامه‌ریزی دقیق و اساسی در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی ضروری است. گفتنی است که برنامه‌ریزی، ضمن جلوگیری از توسعه و گسترش بی‌رویه توریسم، مانع از تخریب جاذب توریست نیز خواهد شد.

در برنامه‌ریزی برای توریسم دو مورد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است: زمان و مکان. به عبارت دیگر برنامه‌ریزی برای توریسم در اصل بر اساس این دو ویژگی انجام می‌پذیرد. در ارتباط با زمان، برنامه‌ریزیهای زیر مد نظر قرار می‌گیرند:

۱) برنامه‌ریزی کوتاه مدت یک ساله و یا دوساله: تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌ها در چهارچوب برنامه‌های عمرانی، مبنی بر شناخت دقیق قابلیت‌ها و توانهای اقتصادی و سیاسی انجام می‌گیرد.

۲) برنامه‌ریزی میان مدت (۳-۶ ساله)، که جوابگوی برنامه‌های عمرانی در چهارچوب طرحهای توسعه اقتصادی ملی و منطقه‌ای است.

۳) برنامه‌ریزی بلند مدت و یا آینده‌نگر، و به عبارت دقیق‌تر برنامه‌ریزی استراتژیک، که در دوره‌های زمانی ۲۵-۱۰ ساله انجام می‌پذیرد. این نوع برنامه‌ریزیها، پروژه‌هایی هستند در سطح «کشور»، «منطقه» و مادر شهرها.

بنا به نظر سازمان جهانی توریسم، برنامه‌های متکی بر زمان‌بندیهای فوق، در صورت کاربرد در مکان، به صورت پنج نوع برنامه‌ریزی مکانی مطرح می‌شوند:

۱) برنامه‌ریزی بین منطقه‌ای

برنامه‌ها و طرحهایی که برخی کشورهای واقع در یک منطقه از جهان متفقاً و به صورت یکپارچه ملزم به اجرای آن باشند، در زمره این نوع برنامه‌ریزیها است. البته نمونه این نوع برنامه‌ریزی در سطح جهان زیاد نیست. طرح و برنامه یکپارچه سازی چشم‌اندازها و مناظر جاذب توریست در کشورهای غرب آفریقا (سنگال، مالی، گینه، ساحل عاج، و لئانی شمالی، غنا، توگو، بنین، نیجریه، کامرون، جمهوری آفریقا-ای مرکزی، گابن و زئیر به سال ۱۹۷۳) و نیز طرح توسعه و گسترش برنامه توریسم آخر هفته، بین کشورهای عضو پیمان همکاری اقتصادی (لهستان، چکسلواکی، مجارستان، بلغارستان، رومانی و اتحاد جماهیر شوروی سابق) از جمله این برنامه‌ریزیها است.

۲) برنامه ریزی ملی

- در این گونه برنامه ریزی، برنامه ریزی برای توریسم در چهارچوب برنامه ریزی کلی کشور انجام می پذیرد. نمونه های این برنامه ریزیها عبارتند از :
- ۱) برنامه ملی چند ساله که بخش توریسم نیز در آن مد نظر قرار می گیرد، همانند برنامه های توسعه پنجساله اول، دوم و سوم کشور ؛
 - ۲) برنامه تعیین چگونگی کاربری اراضی کشور ؛
 - ۳) برنامه ملی برای توسعه توریسم در سطح کشور همانند برنامه توسعه ۱۰ ساله وزارت جهانگردی فیلیپین، برنامه ملی جهانگردی مصر، برنامه ملی توسعه توریسم تایلند ؛
 - ۴) برنامه ریزی ملی، جهت تشویق توریسم و تجاری کردن آن .

۳) برنامه ریزی منطقه ای

برنامه ریزی برای یک، یا چند منطقه، دولت و حتی ایالات و بخشهای یک کشور در این چهارچوب انجام می پذیرد. انتخاب این مناطق معمولاً در چهارچوب برنامه های ملی که در بالا بدانها اشاره شد، انجام می گیرد .

۴) برنامه ریزی محلی

این نوع برنامه ریزی، واحدهای مکانی کوچک، واحدهای مختلف و حتی روستاها را شامل می شود. این شیوه برنامه ریزی، ضمن این که می تواند یک واحد مکانی خارج از شهر را شامل گردد، در عین حال می تواند یک محل واقع در مراکز تاریخی مناطق شهری را هم دربرگیرد .

۵) برنامه ریزی بین بخشی

شامل نظم بخشی و یا برنامه ریزی برای یک و یا بیش از یک بخش از فعالیتهای توریستی در سطح ملی است. این نوع برنامه ریزیها بسیار متنوعند. از میان آنها می توان به موارد ذیل اشاره کرد :

- ⇨ برنامه ریزی برای پارکهای ملی ؛
- ⇨ برنامه هایی برای نظم بخشیدن به شهرها با اهداف توریستی ؛
- ⇨ برنامه هایی برای تجهیز راههای توریستی ؛
- ⇨ برنامه ها و طرحهایی در خصوص توسعه توریسم آبهای معدنی ؛

⇨ برنامه ها و طرحهایی برای توسعه توریسم مناطق کوهستانی ؛
⇨ برنامه ها و طرحهایی که در جهت احیاء و نظم بخشی به مکانهای خارج شهری انجام می پذیرد .

در سال ۱۹۶۴، در سومین سمینار جهانی توریسم (IUOTO) که در پراگ برگزار شد ، اعضای این سازمان متقاعد شدند که برای توسعه بخش توریسم انجام برنامه ریزی، چه در سطح ملی و چه در سطوح منطقه‌ای و محلی غیر قابل اجتناب می‌باشد. در حقیقت برای هماهنگ کردن توسعه بخشهای مختلف، تعادل بخشی به خواسته ها و بعضاً رقابتهای موجود در خصوص منابع واحد و مشابه، به حداکثر رساندن تأثیرات مثبت توسعه توریستی و نیز به حداقل رساندن تأثیرات منفی آن، انجام برنامه ریزی ضروری است . برنامه ریزی موفق، در اصل پنج ویژگی را دربرمی گیرد. اینها از جمله ویژگیهایی هستند که انجام آنها در مراحل اولیه برنامه ریزی الزامی است . شایان ذکر است که ترتیب رده بندی اولویتهای زیر در بین محققین متفاوت است :

الف - برآورد و فهرست کردن تمامی امکانات موجود و نیز امکاناتی که احتمالاً در آینده مورد استفاده قرار می گیرند ؛

ب- ارزیابی بازار احتمالی توریست (مبدأ و تابعیت توریست ها) ؛

ج - بررسی مناطقی که در آن تقاضا بر عرضه فزونی دارد (کانالیزه کردن تقاضا) ؛

د - جستجو برای یافتن امکانات مالی داخلی و خارجی برای تأمین جنبه های مالی توریسم ؛

هـ - سعی در حفظ و نگهداری ویژگیهای طبیعی، میراث فرهنگی و خصوصیات حیات اجتماعی .

برنامه ریزی مکانی

برنامه ریزی، قبل از هر چیز، مسئله عرضه و تقاضا است و کار برنامه ریزی نیز، ارزیابی عرضه منابع را با پتانسیل تقاضا ایجاد می کند . در رشد و توسعه توریسم، هر ارگانی از کشور می تواند مسئول باشد (تشکیلات ملی توریسم، وزارتخانه های مختلف، بخش خصوصی و غیره)، لیکن آنچه که در این میان مهم است، آن که برنامه مطروحه باید « در برگیرنده گستره وسیع جغرافیایی و در عین حال مکمل برنامه توسعه اقتصادی ملی باشد ». پر واضح است که انجام برنامه ریزیهای ملی یا منطقه ای به طور مجرد و بدون بیان مفاهیم جغرافیایی غیرممکن خواهد بود : ارسک (Ersek) و دوزگون اوغلو

(Duzgun oglu) در نقد برنامه‌ریزی صنعت توریسم ترکیه بر این موضوع تأکید داشته‌اند که: «در جریان برنامه پنجساله اول و مراحل پایانی آن به علت فقدان تصمیمات سیاسی در خصوص پراکندگی مکانی منابع و نیز تعیین مناطق اولویت دار، در حین اجرای برنامه پنجساله دوم توسعه، مسایل و مشکلات بسیاری بروز کرده است. تصمیمات سیاسی مربوط به تعیین چگونگی پراکندگی جغرافیایی منابع و شناسایی مناطق اولویت دار، برای کشوری چون ترکیه از اهمیت حیاتی بسیار بالایی برخوردار است. این مهم در اصل نشأت گرفته از تنوع و ابعاد زیاد منابع توریسم در ترکیه می‌باشد». دیدگاه‌های مشابهی نیز، از «سوی سازمان تعطیلات و سیاحت زلاندنو» در خصوص کوئینز تاون (Queenstown) مطرح گردیده است:

«... در این خصوص یک برنامه کلی و همه جانبه راهگشا خواهد بود. بنابراین برنامه‌ای را باید طراحی کرد که در آن ایجاد و گسترش هتلها، پارکهای ملی، هتل‌های بین راهی، راه‌های توریستی، حمل و نقل داخلی، صنایع توریستی و دیگر فعالیتهای جنبی و نیز نظم و تعادل بخشی به هزینه‌ها مد نظر قرار گیرد» (پیرس، ۱۹۸۳). هر دو دیدگاه فوق، توجه به چشم انداز و منظر جغرافیایی را در برنامه‌ریزیهای ملی به طور وضوح منعکس می‌کنند. هیچ کشوری نمی‌تواند تمامی منابع توریستی خود را به تصور این که به خودی خود توسعه می‌یابد، به حال خود رها کند. بنابراین، شناسایی مناطق مهم و دارای اولویت الزامی است. در انتخاب و توسعه این گونه مناطق نیز بیش از هر چیز «موقعیت مکانی» و «عناصر اصلی» آنها مد نظر قرار گیرند، چرا که در صورت توسعه و تثبیت توریسم در مکانی خاص، امکان انتقال آن به مکانی دیگر به راحتی میسر نخواهد بود. انجام پروژه‌های مهم توریستی، آن هم در مقیاس ملی، اغلب از توان و امکانات بخش خصوصی خارج است، لذا از لحاظ سرمایه‌گذاری و نیز هماهنگی، تطبیق و کاربرد دستاوردهای نوین، همکاری و مشارکت دولت را طلب می‌کند. در کشورهایی چون کشورهای در حال توسعه، برای رشد و گسترش موفقیت آمیز بخش توریسم، دخالت دولت ضروری است، چه در کشوری که دارای صنعت توریسم فعال و پیشرفته‌ای است و چه در کشوری که سعی در گسترش آن دارد، مسایل و مشکلات عدیده غیر قابل حلی وجود دارد. در برنامه‌ریزی در مقیاس ملی باید تمامی این مسایل مورد توجه قرار گیرند (راینسون، ۱۹۷۶).

الف - حکومت باید در خصوص سطح گسترش بخش توریسم تصمیم‌گیری کند: آیا توسعه توریسم عمومی مد نظر است یا توریست ثروتمند را مورد خطاب قرار داده و گسترش بطئی را مورد تشویق قرار خواهد داد. این، موضوعی است که بدون شک ارتباط

مستقیمی با شرایط کشور دارد. در صورت عدم برآورد تقاضا، کشور مزبور نمی‌تواند خود را با سیل توریست هماهنگ سازد.

ب - حکومت باید با در نظر گرفتن اقتصاد ملی، مناسبترین نوع توریسم را انتخاب کند و در خصوص چگونگی هماهنگی رشد بخش توریسم با برنامه‌های توسعه ملی و منطقه‌ای تصمیم‌گیری کند: آیا توریسم به عنوان یک فعالیت اساسی و پایه‌ای مطرح خواهد بود یا به صورت یک فعالیت جنبی و حمایتی عمل خواهد کرد؟ آیا فعالیت بخش توریسم در مناطقی از کشور که توسعه یافته و در عین حال دارای زیر ساخت‌های مناسب می‌باشند متمرکز خواهد شد و یا برای اصلاح و ایجاد توازن در اقتصاد کشور به مناطقی که دارای اقتصاد ضعیف و عقب‌افتاده هستند، سوق داده خواهد شد؟

ج - میزان سهم و نقش بخشهای عمومی و خصوصی در گسترش بخش توریسم باید تعیین شود. قبل از فعالیت بخش خصوصی، بخش عمومی بایستی به طور قطع، زیر ساخت‌های حیاتی و در عین حال پر هزینه را تأمین و در اختیار بخش مزبور قرار دهد.

د - تعیین نقش سرمایه‌های داخلی و خارجی نیز در حیطه کار حکومت است. در صورت محدود بودن منابع مالی کشور، تشویق و بهره‌گیری از سرمایه‌گذارهای خارجی الزامی خواهد بود. بدیهی است که در صورت وابستگی به این گونه سرمایه‌گذارها، سطح درآمد به میزان زیادی کاهش خواهد یافت.

ه - در مورد این که، آیا درجه اهمیت پرداختن به صنعت توریسم، هم تراز با دیگر صنایع خواهد بود یا با نظام بخشی خاص اداری و مالی از ساختاری متفاوت با دیگر صنایع برخوردار خواهد شد، باز تصمیم‌گیری با حکومت خواهد بود زیرا توریسم به لحاظ ساختاری، تا حدودی از دیگر بخشهای اقتصادی متفاوت است و برخی ویژگیهای غیر اقتصادی را نیز در بر می‌گیرد. به عنوان مثال؛ از لحاظ فرهنگی، بازسازی و مرمت آثار باستانی؛ از لحاظ هنر و زیبایی‌شناختی، محافظت از زیباییهای طبیعی و نیز حفظ میراث‌های ملی؛ از لحاظ اجتماعی، تجهیز امکانات تفریحی برای تأمین رفاه و سلامتی مردم و از نقطه نظر بهبود نظام بین‌المللی، ویژگی سیاسی را در بر می‌گیرد.

در برنامه‌ریزی در مقیاس ملی، از موارد مطروحه فوق، مهمترین موضوع، انتخاب منطقه مورد نظر برای توسعه می‌باشد. در کشورهایی که صنعت توریسم در آنها هنوز نوپا و ابتدایی است اولین کار، فهرست نمودن جاذبه‌های توریستی و انتخاب یک و یا بیش از یک منطقه برای توسعه خواهد بود.

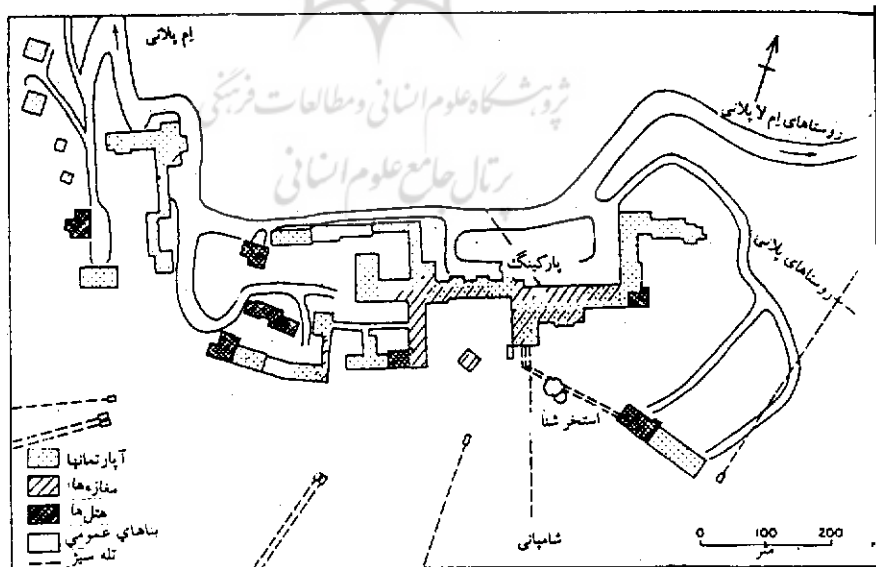
در دیگر کشورها که صنعت توریسم از رشد مطلوبی برخوردار است، این سؤال مطرح خواهد بود که: منطقه آتی برای گسترش کجا و تراکم کار در آن چگونه خواهد بود؟ در هر حال، انتخاب مناطق با در نظر گرفتن اهداف برنامه ملی صورت خواهد گرفت. به عنوان مثال، در مکزیک، هدف از ایجاد و گسترش مراکز جدید توریسم بالاخص در مناطقی که از پتانسیل توریسم بالایی برخوردارند، همانا موضوع اشتغال زایی است. ضمناً این مراکز حتی المقدور در مجاورت آن عده از مراکز مهم روستایی که از سطح درآمد پایینی برخوردارند، استقرار خواهند یافت. با حرکت از این هدف به جای مناطق توسعه یافته آکاپولکو (Acapulco)، مناطقی چون کوئین تانارو (Quintanaroo)، و ساحل اواکساکا (Oaxaco)، که از لحاظ اقتصادی عقب مانده و فاقد امکانات زیر بنایی هستند، انتخاب می‌شوند. در برنامه ملی کشور تایلند نیز با هدف حمایت از توسعه، برخی از مناطق کلیدی کشور در نظر گرفته می‌شوند (پریس، ۱۹۸۳).

هماهنگی مکانی اقتصاد ملی با دیگر از بخشهای آن نیز از اهمیت شایانی برخوردار است. بر این اساس در ساخت عناصر زیربنایی چون راهها، فرودگاهها و یا بنادر باید نیازها و خواسته های توریسم را نیز مد نظر قرار داد. ایجاد این نوع هماهنگی، سبب پیشگیری از تخریب منابع با ارزش توریسم، توسط دیگر فعالیتها خواهد شد. به عنوان مثال، ایجاد تأسیسات عظیم پالایشگاههای نفت و دیگر تأسیسات صنعتی در برخی از مناطق ساحلی باعث ریشه کن شدن توریسم در آن مناطق شده است.

از نظر ساختاری، برقراری ارتباط بین مناطق مورد توسعه با مبادی ورودی کشور یک موضوع مهم در سطح ملی است. در بسیاری از کشورها، اغلب ورودیهای هوایی منحصر به یک شهر بوده و ارتباط با دیگر مناطق داخلی به ویژه در کشورهای در حال توسعه بسیار قوی و گسترده نیست. در کشورهای پیشرفته نیز وضع به همین منوال است. در پایتخت این کشورها تراکم ورود توریستهای بین المللی از طریق هوایی بسیار بالا است. به عنوان مثال لندن در انگلستان، پاریس در فرانسه و توکیو در ژاپن از آن جمله‌اند. (شهر توکیو پذیرای اقامت $\frac{2}{3}$ توریستهای وارد شده به کشور ژاپن می‌باشد). انتخاب تعداد معینی از مناطق برای توسعه توریسم، در حل این چنین معضلاتی تا حدودی کارساز خواهد بود (ایجاد شهر دالامان (Dalaman) برای جوابگویی به منطقه توریستی آنتالیا (Antalya) در ترکیه از زمره این اقدامات به شمار می‌رود). به موازات این امر، پیش از پرداختن به توسعه توریسم از نوع تفرجی، با اتکاء به توریسم از نوع «تور» و ایجاد گسترش نقطه دوم برای ورود و خروج، به ویژه در کشورهای وسیع، می‌توان به ازدیاد جریان توریسم کمک کرد.

برنامه‌ریزی در مقیاس منطقه‌ای

مناطق مورد نظر برای توسعه توریسم، اغلب در چهارچوب برنامه‌های ملی تعیین و مشخص می‌شوند. در بسیاری از موارد نخستین اقدام از منطقه آغاز می‌شود. مناطق توریسم در مقیاس ملی، یا مناطق مورد نظر برای توسعه توریسم، معمولاً با توجه به یکپارچگی مکانی که جاذبه‌ها و امکانات مرتبط با آنها را نشان می‌دهند و بالاخص از نظر فیزیکی (یک نوار ساحلی، یک سیستم رودخانه‌ای و یا یک توده کوهستانی)، در مکانهایی که بخشی از استراتژی کلی توریسم منطقه‌ای را تشکیل می‌دهند به صورت اداری انتخاب می‌شوند. اولین کار، انتخاب مکانهایی از منطقه برای توسعه است. احتمال این که بعضی از مکانها قبلاً و در چهارچوب برنامه ملی، جزء مکانهای اولویت دار انتخاب شده باشند، وجود دارد ولی در جریان تعیین و ارزشگذاری محلهای کاملاً معین، انتخاب با توجه به ویژگیهای ساختاری و موقعیت آنها انجام می‌گیرد. گفتنی است در کنار ویژگیهای ساختاری باید اهداف منطقه‌ای نیز مد نظر قرار گیرند. اگر هدف محدود کردن تأثیرات اجتماعی توریسم باشد، می‌تواند تنها یک یا دو مرکز مورد توسعه قرار گیرد، حال آن که اگر انجام توسعه در تمامی منطقه مد نظر باشد، در این حالت باید مراکز متعددی را ایجاد نمود. اهداف اجتماعی و اقتصادی با ایجاد فعالیتهای جدید در مناطق بکر و دست نخورده و در اثنای جایگزینی فعالیتهای جدید توریسم در قالب سکونتگاه فعلی، انتخاب مورد نظر را مشخص خواهند



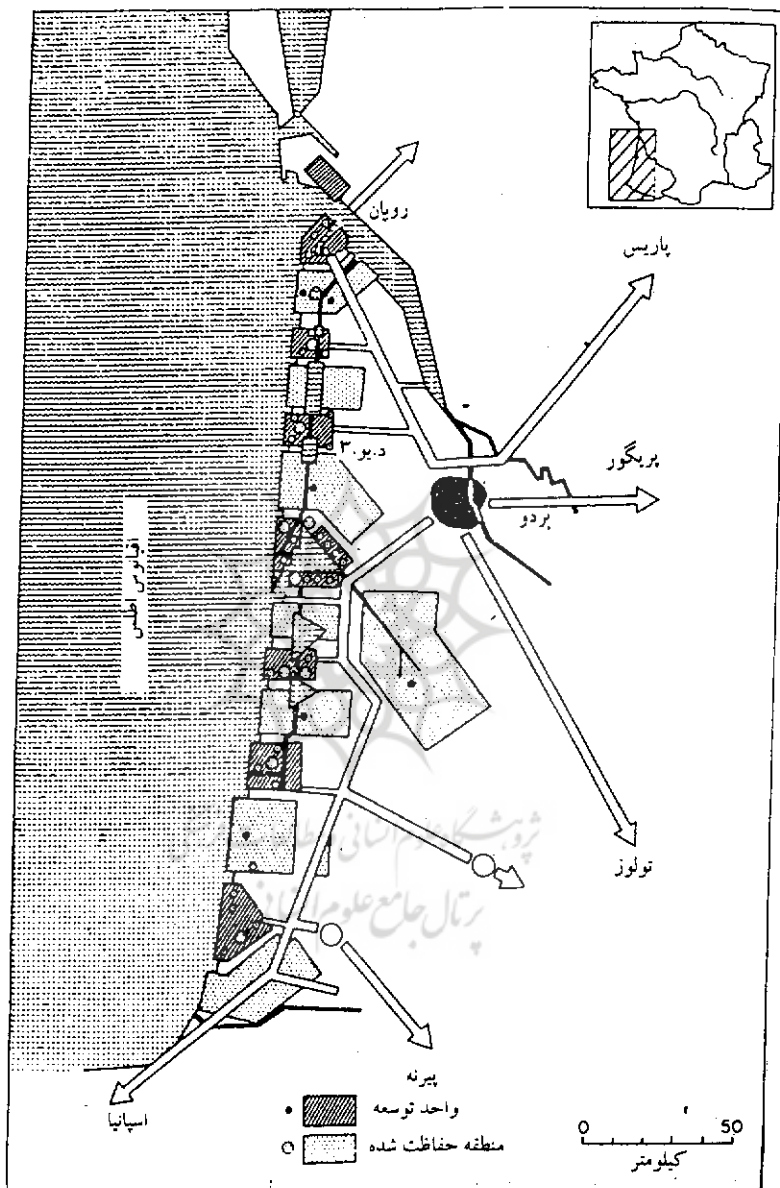
شکل ۱ پلان مرکز ورزش‌های زمستانی لاپلان (La plagne)

کرد. شایان ذکر است که این انتخاب، با ادامه جریان توسعه قبلی (در صورت وجود) نیز مرتبط خواهد بود. به طور کلی درجه مشارکت محلی و تشویق و حمایت منطقه‌ای، در صورت همگام بودن سکونتگاه‌های موجود با برنامه توسعه ملی، افزایش خواهد یافت.

یک مرکز مهم توریسم منطقه‌ای می‌تواند نقش ورودی منطقه را ایفا کرده و بسیاری از خدمات و فعالیت‌های مورد نیاز را آن هم به صورت گسترده تأمین کند؛ و در نهایت می‌تواند به عنوان یک قطب توسعه، ایفای نقش کند. به دنبال غیر فعال شدن معادن سرب دره ایزر (Isere) و نیز کاهش درآمدهای کشاورزی، بعد از سالهای ۱۹۶۰ با اتحاد ۵ کمون، این منطقه به یک مرکز ورزش‌های کوهستانی تبدیل شد. تمامی اقامتگاه‌ها، در ارتفاع ۲۰۰۰ متری، در تقاطع پیست‌های مهم اسکی و توزیع خطوط تله سیژ (Telesijej) استقرار یافته‌اند. در این مرکز ورزشی، اقامتگاه‌هایی با ظرفیت ۱۴۰۰۰ تخت‌خواب، ۴۵ دستگاه تله سیژ و هشتاد پیست اسکی (جمعاً به مسافت ۱۳۵ کیلومتر) وجود دارد. تعداد توریست در این مرکز، در فصل اسکی سال ۷۴-۱۹۷۳ حدود ۵۰/۰۰۰ نفر بوده است (پیرسن، ۱۹۸۳ و هانس، ۱۹۷۴).

این نوع مراکز را می‌توان در نزدیکی یک شهر مهم و نیز در مجاورت مناطقی که از تراکم زیاد جاذبه‌ها برخوردارند، گسترش داد. علاوه بر این، امکان ایجاد مکان‌های تفریحی جدید و نوساز در خارج از مناطق شهری نیز وجود دارد. مانند لاپلانه در مجموعه لاگرانده (La Grande plagne). هر چند مراکز منطقه‌ای از امکانات و تسهیلات بسیار گوناگونی برخوردارند، لیکن مراکز کوچک اقماری آنها نیز می‌توانند در تأمین خدمات ویژه و یا در سرویس‌دهی به بخش‌های معین بازار توریست (به دوستداران ورزش، خانواده‌ها، سالمندان و ...) از تخصص خاصی برخوردار شوند.

توسعه مرحله به مرحله و تکاملی این نوع مراکز، امکان تطابق سهل آنها را با تقاضای بازار مقدور می‌سازد، به طوری که در لاگرانده پلانه نخست مرکز (لاپلانه) و سپس چهار روستای کوچک به عنوان تفرجگاه اقماری توسعه داده شده است. علاوه بر اینها تعداد زیادی روستا به عنوان استراحتگاه زمستانی (روستا‌های پلانه) احداث شده‌اند. راه‌های مواصلاتی که در اتصال مراکز مختلف فوق به همدیگر نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند، از ساختار سلسله مراتبی برخوردار می‌باشند. به عنوان مثال، در مناطق ساحلی لانگدوک - روسیلون (Languedoc - Rousillon) و اکی تانیا (Akitanya) - به عنوان نمونه‌هایی از برنامه‌ریزی منطقه‌ای راه‌هایی که به صورت طولی و به موازات ساحل منطقه را قطع کرده‌اند، واحدهای توسعه را به همدیگر و منطقه را به تمامی کشور (راه‌های زمینی



شکل ۲ - طرح توسعه توریستی آکی تانیا

منطقه‌ای) وصل می‌کنند (شکل ۲). اتوبانها و راههای ارتباطی نسبتاً کوچکی که از طریق راههای زمینی منطقه‌ای با گردشگاهها ارتباط برقرار می‌کنند، در انتقال مشتاقان دیدار از مناظر طبیعی و مناطق حفاظت شده، نقش عمده‌ای دارند.

به طوری که در شکل نیز مشاهده می‌شود، ساحل به ۱۷ بخش تفکیک شده است. واحد توسعه (۱۲۵۰۰۰ هکتار) و ۸ منطقه حفاظت شده (۲۵۰۰۰ هکتار). علاوه بر این، واحدهای توسعه به سمت داخل گسترش یافته‌اند (نگاه کنید به شکل ۳).

در برنامه‌ریزی به مقیاس منطقه‌ای، دیدگاههای مرتبط با محیط اهمیت می‌یابد. طبقه‌بندی مناطق، به تمرکز یا عدم تمرکز فعالیت توریسم منجر می‌شود. سیاست تمرکز، معمولاً در مکانهای معینی که تمامی تسهیلات و یا بخش اعظمی از آنها را دارا بوده و از قابلیت پذیرش امکانات حمل و نقل بیشتر نیز برخوردارند، ترجیح داده می‌شود. در مقابل این سیاست، برای تعدیل و یا پیشگیری از تجمیع فشارهای محیطی در یک نقطه معین، سیاست عدم تمرکز مورد تشویق قرار می‌گیرد. این سیاست، توسعه در مقیاس کوچک و در عین حال پراکنده را در تمامی سطح منطقه مورد حمایت قرار می‌دهد. در بعضی از مناطق ساحلی، اگر هدف، پرهیز از گسترش نواری شکل فعالیتهای مختلف در امتداد نوار ساحلی باشد، خواه ناخواه سیاست تمرکز، یک سیاست ترجیحی خواهد بود. در مناطق بکر و دست نخورده، این نوع سیاست از جنبه‌های اقتصادی نیز تقویت می‌شود: به عنوان مثال، تأمین هزینه‌های زیربنایی. در مناطق آلبی نیز مهمترین موضوع مورد توجه، ارتفاع محلی مورد نظر برای انجام امر توسعه می‌باشد. در این خصوص برخی از طراحان، با ایجاد تأسیسات و تسهیلات اقامتگاهی در تفرجگاههای واقع در ارتفاعات زیاد، مخالفت می‌کنند و در مقابل، از احداث آنها در ارتفاعات متوسط که مرتبط با پستهای اسکی نیز هستند، دفاع می‌نمایند. زمینهای مازاد واقع در حواشی مناطق مورد توسعه، به ویژه آنهایی که مورد تخریب واقع نشده‌اند، با تبدیل به پارک ملی و یا پارک دولتی می‌توانند مورد استفاده گردشگران قرار گیرند. سیاست عدم تمرکز را در مناطق روستایی که از تجهیزات و امکانات بسیار محدودی برخوردارند نیز می‌توان تطبیق داد. گفتنی است که گسترش بی‌رویه و بدون کنترل «خانه‌های دوم» در همه جای دنیا، نتایج نامطلوبی را به وجود آورده است.

برای حفاظت از مناطق بکر و تخریب نشده در برابر فشارها و تراکم توریست، تکنیک دوم، هدایت سیل توریست به مناطق دیگر و یا تداوم توسعه و گسترش در مناطق دیگر خواهد بود. با هدایت توریسم به مناطق داخلی، علاوه بر توزیع بهینه منابع اقتصادی، می‌توان از تخریب و تأثیرپذیری بیش از حد سواحل نیز پیشگیری کرد. علاوه بر این، در

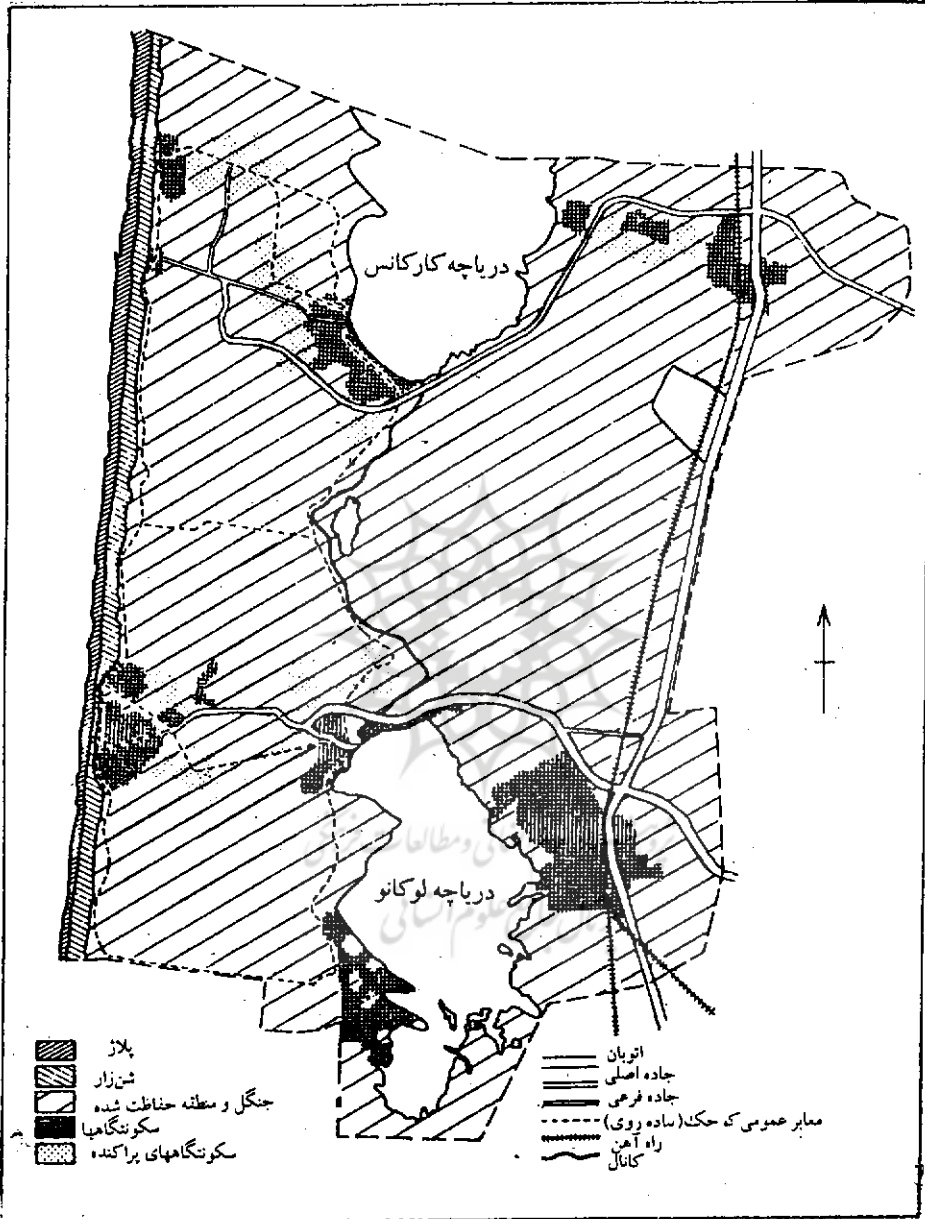
مناطقى که به حالت اشباع درآمده‌اند، برای کاهش تقاضا، با توجه به ویژگی منطقه، می‌توان یک منطقه جدید جنگلی و یا یک منطقه اسکی دیگر را مورد استفاده قرار داد. این عمل، یعنی هدایت موفقیت آمیز سیل توریست، به ویژه توریست شهری به منطقه جاذب دیگر، اصطلاحاً استراتژی «کاسه غسل» نامیده می‌شود. در این خصوص این مورد نیز مطرح است که ضمن اصلاح و بهبود شرایط شهرها، باید به گونه‌ای عمل کرد که نیاز به خروج شهر نشینان از شهرها و هجوم به مناطق اطراف تا حدودی کاهش یابد (پیروس، ۱۹۸۳).

برخی از استراتژیهای فوق‌الذکر در طرح توسعه ساحلی اکی تانیا مورد استفاده قرار گرفته‌اند. منطقه مورد بحث یک نوار ساحلی و در عین حال شنی به طول ۲۵۰ کیلومتر می‌باشد. ساحل از پشت، توسط جنگلهای کاج لاندس (Landes) که یک سری دریاچه‌های کوچک نیز در آن قرار دارند، محاصره شده است. بخشهایی از محیط که تخریب نشده‌اند، اغلب به صورت نامتواب پراکنده‌اند. در جنگل لایه نازکی از خاک وجود دارد، لذا پیاده‌روی و تراکم بیش از حد توریست، تأثیرات منفی و فاجعه آمیزی بر جای می‌گذارد. بدیهی است که تأثیرات وارده بر شن زارهای ساحلی، عواقب جدی به دنبال خواهد داشت، به طوری که در صورت محو و از میان برداشته شدن بخشی از شنهای ساحلی، جنگل مستقیماً در معرض بادهای دریایی حامل نمک که تأثیرات نابود کننده‌ای دارند، قرار می‌گیرد. علاوه بر این، امکان این که با استیلای شنها جنگل به تدریج خفه و نابود شود نیز وجود دارد (شکل ۳).

واحدهای توسعه ساحلی با بخش‌های داخلی مرتبط‌اند. علاوه بر پلاژهای ساحلی، دریاچه‌های کوچک و جنگلهای دارای شرایط مناسب میکروکلیمایی که عمدتاً در ۱۲ - ۱۰ کیلومتری ساحل قرار گرفته‌اند نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند. بدین ترتیب امکانات تفریحی موجود در نوار ساحلی و بخش داخلی به صورت مکمل هم عمل می‌کنند.

برنامه ریزی در مقیاس محلی

سازماندهی فیزیکی جاذبه‌های مورد بحث، اغلب در چهارچوب برنامه‌ریزی محلی انجام می‌پذیرد. جاذبه‌های مهم، اعم از جاذبه‌های طبیعی و تاریخی، به لحاظ این که دارای مکان ثابتی بوده و هر آن امکان نابودی ویژگی آنها وجود دارد، لذا کانونهای اصلی برنامه ریزی را تشکیل می‌دهند. در این مرحله، تفکیک سیستم ارتباطی منطقه با خطوط



شکل ۳- سومین واحد توسعه توریستی در اکی تانیا

ارتباطی منتهی به آن، از حساسیت خاصی برخوردار است. علاوه بر اقامتگاههای معمولی، دیگر انواع اقامتگاهها نیز باید مورد توجه قرار گیرند. در ضمن مناسب ترین تراکم ها باید با محدوده‌های ارتفاعی مشخص شوند. در محلهایی که چندین فعالیت از فعالیتهای مرتبط با توریسم در آن وجود دارد، ضروری است که فروشگاهها، رستورانها، دیگر کارکردها و همچنین کاربریهای مختلف اراضی در ارتباط با توریسم معین و مشخص شوند. برنامه‌ریزی برای چگونگی انجام توسعه یک تفرجگاه ساحلی، یک مرکز تاریخی - فرهنگی و یا مرکز شهری، یا توجه به هدف آن (این که آیا برای توریسم ساخته می شود یا نه) بسیار متفاوت خواهد بود. خواه ناخواه متفرعات و درجه اهمیت داده شده به آنها از یک محل به محل دیگر تغییر خواهد کرد. در این میان بعضی اصول کلی نیز وجود دارد که قابل تعمیم به بسیاری از موارد می باشد.

به هنگام انتخاب محل، چه از لحاظ فیزیکی و چه از لحاظ بصری، اتخاذ تصمیم در خصوص موقعیت بناها و یا دیگر تسهیلات، آن هم بدون مطالعه دقیق، مشکل ساز خواهد بود. محلهای واقع در سواحل می‌توانند به آسانی تخریب شوند. به عنوان مثال، برداشتن و جابجا کردن شنهای ساحلی و یا اقدام به ساخت و ساز در روی آنها، می‌تواند مسایل فرسایشی جدی و در عین حال مهمی را ایجاد کند. موضوع فرسایش توسط امواج دریا و ویژگیهای مختلف اشکال زمین نیز مورد توجه قرار گیرند. در کل، توسعه و گسترش متناسب مکان انتخابی، مهمترین موضوع به شمار می‌رود و این هم، علاوه بر ایجاد تعادل میان بخشهای مختلف که از لحاظ ظرفیت، نوع و کیفیت متفاوتند، به همان اندازه رقابت بین فعالیتهای مختلف را نیز شامل می‌شود. به عنوان مثال، برخی از آبهای معدنی، به سبب شلوغی، تحرک و سرزندگی و بعضی دیگر، به دلیل آرامش و فراوانی نیز بسیار مهم هستند. طراحی تفرجگاه باید به گونه ای باشد که امکان دستیابی تعداد زیادی از گردشگران را به جاذبه ها و تسهیلات موجود فراهم کند. این موضوع را نباید فراموش کرد چرا که انواع مختلف اقامتگاهها، خواه ناخواه قیمتهای متفاوت زمین و اجاره بهای گوناگون را به دنبال خواهند داشت.

به طور کلی به موازات افزایش میزان سرویس دهی، سطح قیمتها نیز افزایش می‌یابد. به عنوان مثال، هتلها در مقایسه با اقامتگاههای بین راهی، قیمت بالایی را در قبال زمین می‌پردازند، همین طور بلوکهای آپارتمانی در مقایسه با ویلاها در محلهای گرانیقیمتی استقرار می‌یابند. قیمت اراضی، ویژگیهای محل و موقعیت آن را منعکس می‌کند. محلهای ممتاز، اغلب دارای چشم‌اندازهای زیبا و در نزدیکیترین موقعیت نسبت به جاذبه های اصلی

قرار می‌گیرند. راههای ارتباطی، به گونه‌ای باید طراحی شوند که دسترسی به هر قسمت از تفرجگاه و نیز مراکز تفریحی آن امکان‌پذیر باشد. در نهایت، عوامل محدود کننده مرتبط با محل نیز باید مد نظر قرار گیرند. در بسیاری از سواحل، مناطق کوهستانی و دیگر نواحی طبیعی، با در نظر گرفتن مقاومت خاک، وضعیت زمین ساخت و شرایط زهکشی، انجام ساخت و ساز به مناطق خاص محدود می‌شود.

در برنامه‌ریزی محلی، تفرجگاههای ساحلی، مراکز شهری و نیز تاریخی از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند.



شعبه‌شناسی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی